

نقش کاربردی قاعده فقهی تحذیر بر مسئولیت مدنی مریبان و بهبود عملکرد آنان

ریحانه حسینیپور^۱
اسدالله لطفی^۲
مرضیه پیلهور^۳

چکیده

فعالتهای ورزشی اغلب همراه با خطرات و آسیبهای اجتنابناپذیری است که گاه در آنها مربی مسئول و ضامن جبران خسارت محسوب می‌شود. لذا هر مربی‌ای با این استرس که هر آن ممکن است ضمان جبران خسارتی بر عهده او بار شود، به فعالیت آموزشی خود ادامه می‌دهد. این استرس همواره موجب نارضایتی و فرسایش شغلی مربیان بوده، تأثیر سوء بر عملکرد مریبان دارد. **هدف:** هدف از انجام تحقیق حاضر، ارائه راهکار حقوقی برای کاهش استرس شغلی بود. **روش:** این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. **یافته‌ها:** قاعده تحذیر، رافع مسئولیت مریبان است و فرسایش شغلی آنان را کاهش می‌دهد. **نتیجه‌گیری:** آشنایی مریبان با قاعده هشدار(تحذیر) و شرایط اعمال آن، نقش قابل توجهی در بالا بردن سطح عملکرد و رضایت شغلی مریبان و بهبود تدابیر مدیریتی آنها داشته، لذا لازم است مریبان با این قاعده آشنا شوند...

واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی، هشدار(تحذیر)، جبران خسارت، مدیریت، عملکرد مریبان، رضایت شغلی.

◇ دریافت مقاله: 98/12/22؛ تصویب نهایی: 99/04/14.

1. دانشجوی دکتری الهیات گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی همدان.
2. دانشیار گروه الهیات، گرایش فقه و حقوق اسلامی، دانشکده فقه و حقوق، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین(نویسنده مسئول) / نشانی: قزوین، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین/ شماره: 02833780084 | Email: Lofidr@yahoo.com.
3. استادیار الهیات گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی همدان.

الف) مقدمه

هر نوع فعالیت نظام مند و جمعی بشر، دارای قواعد و ضوابطی است که امنیت جانی و مالی و... افراد جامعه را تضمین می کند. فعالیت های ورزشی نیز از این قاعده مستثنا نیستند. قوانین ورزشی را می توان به دو گروه تقسیم کرد: نخست، گروهی که به قواعد بازی ها اختصاص دارند و دوم، گروهی که مراقبت ها و احتیاط ویژه ای را بر ورزشکاران الزام می کنند. مسئولیت مدنی شامل اقدامات و الزامات به گروه دوم است و در همین گروه است که خطای ورزشی و اثر آن در روابط حقوقی مطرح می شود.

گفتنی است اعمال قواعد کلی مسئولیت مدنی و الزام به جبران خسارت نسبت به فعالیت های ورزشی ممکن نیست؛ زیرا برخی از ضرب و جرح های وارده حین فعالیت های ورزشی، مجاز است و بخشی از ماهیت این فعالیت ها را تشکیل می دهد. ورزشکاران در رابطه میان خود و مربیان، متعهد به رعایت قراردادی ضمنی اند که دال بر پذیرش خطرهای متعارف ناشی از ورزشی است که در عنایت به قواعد ویژه بازی ها رخ می دهد. بنابر این، معیار تعیین خطای ورزشی، «رفتار ورزشکاری آگاه و محتاط در شرایطی است که فعل زیانبار واقع می شود». (کاتوزیان، 1386، ج 1: 134)

نقض تعهدات ضمنی، خطا و سبب مسئولیت مدنی است. مسئولیت زیان وارده به تماشاگران مسابقات بر عهده متصدیان این امر است و همچنین مسئولیت ورزشکاران در حین تمرین بر عهده مربی آنهاست، مگر اینکه ناشی از خطای بازیکنان یا اقدام تماشاگران باشد. بنابر این، همواره ذهن مربیان باید درگیر این موضوع باشد که مبدا مسئولیتی احتمال بر عهده او تحمیل شود. این نوع استرسها می تواند تأثیر سوء بر میزان عملکرد مربیان داشته باشد. لذا مسئله اصلی تحقیق حاضر را می توان این گونه بیان کرد که در نظام حقوقی ما به طور ضمنی یا قراردادی، مسئولیتهایی بر عهده مربیان و مؤسسات ورزشی تحمیل شده که موجد محدودیتها و استرسهای شغلی فراوان برای آنهاست. بنابر این، در این تحقیق به دنبال ارئه راهکاری حقوقی برای رفع این قبیل محدودیتها در نظام مدیریت ورزشی کشور هستیم.

پرسش اصلی تحقیق عبارت است از: دادن هشدار و اخطار چه تأثیری می تواند بر مسئولیت مربیان داشته باشد و شرایط اعمال هشدار مؤثر چیست؟

اهمیت و ضرورت تحقیق حاضر در این است که با تبیین ماهیت قاعده تحذیر و شرایط حذار مناسب و صحیح بتوانیم مربیان و مؤسسات ورزشی را با راهکاری قانونی برای کاهش بار مسئولیت خود آشنا کنیم تا بدین وسیله از استرس و فرسایش شغلی آنان کاسته شود و شاهد ارتقای سطح عملکرد مطلوب آنان باشیم. هدف از انجام تحقیق حاضر، تبیین تأثیر این نوع استرسها بر ایجاد نارضایتی شغلی، فرسایش شغلی و... است که تأثیر قابل توجهی بر میزان عملکرد مربیان دارد. همچنین، آشنایی مربیان با قاعده هشدار (تحذیر) به عنوان راهکاری حقوقی برای کاهش مسئولیت و بررسی روش صحیح هشدار از دیگر اهداف این تحقیق است.

611 ♦ ریحانه حسنیپور و همکاران

تحقیقات متعددی درباره کاربرد قاعده تحذیر در مطالعات حقوقی وجود دارد که اهم آنها عبارتند از: «جایگاه قاعده تحذیر در مسئولیت مدنی اشخاص و دولت» علیشاهی قلعه جویی و دانش‌نهاد، (1397)؛ «بررسی مسئولیت ناشی از اخفای مضرات دارو و نقش قاعده تحذیر» عسگری و صالحی، (1396)؛ «قاعده فقهی تحذیر و جایگاه آن در حقوق» آقابابا و عزیززی، (1395).

تحقیقات و پژوهشهای فراوان دیگری نیز درباره قاعده تحذیر وجود دارد، اما تا کنون تحقیقی درباره تأثیر این قاعده بر عملکرد مریبان و کاهش دعاوی مربوطه انجام نشده است. از این رو، تحقیق حاضر برای نخستین بار با رویکردی فقهی، حقوقی و مدیریتی، به بررسی تأثیر قاعده هشدار در بهبود عملکرد مریبان پرداخته است.

ب) مفهوم قاعده هشدار (تحذیر)

تحذیر در لغتنامه‌ها به معنای اخطار دادن، هشیار کردن و خبر دادن است؛ یعنی فردی با خبر دادن و اخطار به دیگران، آنان را متوجه وضعیت حادثه‌ای کند تا خود را از معرض آن رها ساخته، دچار زیان و خسارت نشود (نوری، 1382، ج 1: 433). در فقه، هشدار با عنوان «قاعده تحذیر» شناخته شده که برگرفته از روایت حضرت علی (ع)، «قَدْ أَعَذَّرَ مَنْ حَذَّرَ» است. (حر عاملی، 1423، ج 8: 548)

مفاد قاعده تحذیر این است هر کس قبل از اجرای فعالیتهای مخاطره‌آمیز، به سایرین اخطار دهد؛ اگر در صورت بی‌توجهی و بی‌مبالاتی مخاطب به اخطار مزبور، زیان جانی یا مالی به مخاطب وارد شود، واردکننده زیان معاف از مسئولیت مدنی و کیفری خواهد بود. بنابر این، اگر مخاطب به اخطار توجهی نکند، اخطاردهنده مسئولیتی در قبال زیان وارده نخواهد داشت. (محقق داماد، 1371: 10)

همچنین فقهای امامیه نیز با استناد به روایت مذکور، معتقد به رفع مسئولیت هشداردهنده‌اند که به نظر چند تن از آنان اشاره می‌شود. در عبارت ابن ادریس آمده است: کمانداری که هنگام تیراندازی هشدار می‌دهد، نه ضامن دیه است و نه قصاص می‌شود؛ دلیل ما روایت «قَدْ أَعَذَّرَ مَنْ حَذَّرَ...» است که از امیرالمؤمنین (ع) نقل شده (حلی، 1430: 322). محقق حلی این معنا را به طور آشکار تأیید می‌کند و می‌نویسد: «...ولو ثبت أنه قال: حذار! لم یضمن»؛ اگر ثابت شود که فردی هشدار داده است، او ضامن نخواهد بود (محقق حلی، 1429، ج 3: 43). همچنین مشهور فقهای امامیه، تحذیرکننده را مسئول خسارت وارده بر مخاطب حذار نمی‌دانند؛ لذا می‌توان تحذیر را از عوامل رافع مسئولیت دانست.

ج) قلمرو قاعده تحذیر

سیطره و قلمرو قاعده تحذیر عمومیت دارد و کلیه افراد جامعه را مکلف به ارائه هشدار در اعمال و اقدامات خطرناک و مهلک می‌کند. از امام محمدباقر(ع) روایت شده است: اگر شخصی در محل مسابقه از میان کمانداران و هدف بگذرد و تیری به او اصابت کند، اگر قبلاً اخطار داده باشد، مسئولیتی در قبال این خسارات ندارد و چنانچه اخطار نداده باشد، اما محل هدف در ملک تیرانداز بوده و مصدوم بدون اجازه وارد شده باشد، باز هم مسئولیتی بر کماندار نیست. اما چنانچه وی با اجازه صاحب ملک وارد شده باشد یا محل اصابت، ملک او نبوده باشد، با فرض عدم هشدار، تیرانداز یا عاقله او مسئولند. (حر عاملی، 1423، ج 8: 548)

فقهها نیز با استناد به این روایات، نسبت به عدم مسئولیت هشداردهنده اتفاق نظر دارند. محقق داماد در خصوص این اتفاق نظر، به دلیل شهرت عملی و اتفاق فقهها استناد کرده، می‌فرماید: «هر چند در مورد این قاعده از جانب فقیهان نقل اجماع نشده، ولی بزرگانی چون صاحب جواهر مدعی هستند که نظریه مخالفی در مسئله ندیده‌اند... و روش و عمل اصحاب در این امر موجب تقویت نص وارد می‌شود و ضعف و اشکال در سند حدیث و یا دلالت آن با این شهرت عملی جبران خواهد شد». (محقق داماد، 1371: 12)

فقهها و حقوقدانان نهایت بهره را از این قاعده در مسائل مورد ابتلا برده‌اند (موسوی بجنوردی، 1394، ج 2: 55)؛ به چند مورد از نظرات فقهها اشاره می‌شود:

- «کماندارانی که حضار را از خطر اصابت تیر مطلع می‌کنند، در صورت اصابت تیر، مسئولیتی در قبال آنان ندارند. (مفید، 1433: 143)

- «ولو قال الرامي: حذار! فلا ضمان»؛ اگر کماندار هشدار داده باشد، مسئولیتی بر عهده او نخواهد بود. (شهید ثانی، 1433، ج 11: 77)

مضمون کلام فقههای بزرگوار است که چون کماندار اخطار داده، با اینکه طرف مقابل در اثر پرتاب تیر او از بین رفته، با این وجود مسئولیتی متوجه کمانداری که با فعل او زیان وارد شده، نیست.

د) مبنای مسئولیت

فعالتهای ورزشی اگرچه موجب نشاط روحی و سلامت جسمی است، اما از ایراد خسارتهای احتمالی ایمن نیست. معمولاً این خسارات، لازمه فعالتهای ورزشی و احترازناپذیر است.

سالها این اختلاف نظر بین حقوقدانان حاکم بود که این فعالتهای مخاطره‌آمیز را ضمان‌آور بدانند یا نه. سرانجام با توجه به نیاز جامعه به این فعالیتها با استناد به قواعد فقهی و حقوقی مانند قاعده اقدام، قاعده تسبیب و...، از ضمان‌آوری آن چشم‌پوشی کردند. اما این چشم‌پوشی قانونگذار، مطلق نیست و مواردی را

نیز در فعالیتهای ورزشی جرم و ضمان آور دانسته است. در ادامه به بررسی دامنه مسئولیت مربیان و ورزشکاران می‌پردازیم.

1. مسئولیت مربیان در برابر ورزشکاران

فقها معتقدند فردی که طفل صغیر خود را برای فراگیری شنا به مربی بسپارد و طفل غرق شود، مربی مسئول شناخته می‌شود؛ زیرا در حفاظت از طفل اهمال و تقصیر کرده است و به سبب این تقصیر، موجب آسیب بر طفل شده؛ لذا تقصیر او مفروض است. اما در فرضی که طفل ممیز است، تقصیر مربی مفروض نبوده و باید تقصیر او به اثبات برسد. البته مسئولیت مربی در خصوص طفل صغیر مورد اتفاق نبوده و بعضی از فقها این مسئولیت را رد نکرده و مشروط به اثبات تقصیر مربی دانسته‌اند (محقق حلّی، 1429: 1025؛ شهید ثانی، 1413؛ ج 2: 485). در مقابل، بعضی دیگر با استناد به متعارف بودن فعالیتهای مربی و مشروعیت تعلیم، مربی را مسئول ندانسته‌اند و برخی هم مسئولیت مربی را مطلق می‌دانند (نجفی، 1428؛ ج 11: 76). مشهور فقها معتقدند مسئولیت مربی نسبت به صغیر غیر ممیز، از نوع مسئولیت مطلق و نسبت به افراد رشید، از نوع مسئولیت مقید به اثبات است. بررسی هر یک از این دیدگاهها، خارج از مجال این مقاله است؛ لذا در ادامه به نتایج عمومی این مطالعه می‌پردازیم.

یک) مسئولیت مربی نسبت به آسیبهای وارده بر ورزشکار، ماهیت قراردادی دارد و مبنای آن، «نقض عهد» است؛ زیرا مربی به واسطه قرارداد، به طور ضمنی با ورزشکار یا والدین او متعهد به نگهداری شده است. لذا اگر مربی در قرارداد خود شرط عدم مسئولیت کند، از طرف قرارداد خود بگردد.

دو) تعهد مربی در این توافق، نسبت به سلامت طفل در اصطلاح حقوقی، از نوع تعهد به نتیجه است که از مصادیق مسئولیت قراردادی است. پس اگر طفل آسیب ببیند، نقض عهد نیز صورت می‌گیرد. لذا ورود آسیب دلالت بر تقصیر مربی دارد؛ زیرا مسئولیت او مفروض بوده؛ یعنی فرض بر این است که بدون تقصیر او طفل آسیب نمی‌دید. اما در خصوص ورزشکار رشید، تعهد قراردادی مربی به آموزش و فراهم کردن فضا و وسایل ایمنی است، نه تعهد به حفاظت از آنها. در نتیجه اگر آسیبی وارد شود، در صورتی مسئولیت آور است که مستند به تقصیر او باشد که ماهیت آن مسئولیت غیر قراردادی (ضمان قهری) است. در بیان این تفاوت گفته شده است که: (1) ورزشکار بالغ و عاقل حاکم بر رفتار و مسئول جان خویش است و تقصیر منسوب به خود اوست نه مربی؛ (2) فرض این است که ورزشکار با رضایت قبلی خود وارد این عرصه شده و خطرات را پذیرفته است. (کاتوزیان، 1378: 53)

سه) در خصوص ورزشکار رشید، از نوع تعهد به وسیله است؛ اما تعهد مربی نسبت به ورزشکار صغیر، تعهد به نتیجه است (خریبی، 1425: 232). توضیح آنکه؛ در موردی که آسیب وارده به فعل یا تقصیر مربی است، فرض این است که مربی قدرت پیشگیری از بروز آسیب را دارد و اگر اتفاقی رخ دهد، ناشی از تقصیر

614 ♦ نقش کاربردی قاعده فقهی تحذیر بر مسئولیت مدنی ...

اوست. لذا به طور ضمنی مربی متعهد به حفاظت از طفل می‌شود. این حالت تعهد به حفاظت به نتیجه محسوب شده است. لذا در فرض ورود آسیب بر طفل، مربی ضامن است؛ مگر اینکه آسیب وارده را به عامل احترازا نپذیرد و پیش‌بینی نشده نسبت دهد و آن را اثبات کند. اما در حالتی که ورزشکار رشید است و قدرت تمیز دارد و مطیع محض مربی نیست و آموزشهای او را به اراده خود به کار می‌بندد، دیگر نمی‌توان ادعا کرد که آسیب وارده به او در هر حال به فعل و تقصیر مربی نسبت داده می‌شود؛ زیرا احتمال دارد ورزشکار با علم به خطرناک بودن عمل، خود را معرض خطر قرار دهد و مواظبت‌های متعارف در این نوع فعالیت ورزشی نیز نتواند سلامت او را تضمین کند. لذا آسیب وارده به خود او منسوب است، مگر اینکه ثابت شود تقصیر مربی در مواظبت و تعلیم سبب بروز آسیب بوده است؛ زیرا تعهد مربی محدود به مواظبت است نه عدم بروز آسیب.

حال این پرسش مطرح است که: علت تفاوت این احکام در چیست؟ پاسخ، فقدان قدرت تشخیص و قصد و اراده در طفل و وجود این قدرتها در فرد بالغ و عاقل است که دال بر رضایت او به انجام عمل مخاطره‌آمیز است. به عبارتی؛ در باره طفل نوآموز، اراده و اهلیت سهمی ندارد و قصد مشترک در قرارداد مذکور را فراهم نمی‌کند و آنچه مهم است، نسبت به دخالت هر یک از طرفین در ایجاد آسیب است. لذا در هر مورد که نوآموز حالتی منفعل دارد و قصد او تأثیری بر بروز آسیب ندارد، مربی مسئول آسیبهایی وارده است، خواه خسارات به نوآموز وارد شود یا در اثر فعل او بر شخص ثالث خسارت وارد شود.

بنابر این، ماهیت مسئولیت مریبان، قراردادی است که این مسئولیت به صراحت یا ضمناً بر عهده آنها بار می‌شود. اما تقصیر آنان نسبت به آسیب وارده بر ورزشکاران و نوآموزان ممکن است از حدود قرارداد تجاوز نکرده و مسئولیت قهری را نیز بر آنها بار کند؛ به ویژه نسبت به بزرگسالان.

2. ماهیت مسئولیت در مسابقات نسبت به ورزشکاران

رابطه ورزشکار با باشگاهها و ترتیب‌دهندگان مسابقه‌های ورزشی نیز مبتنی بر عقود است که در این راستا منعقد می‌شود. ویژگی این عقود در رضایت ورزشکار به اقدامات مخاطره‌آمیز در تمرینات و مسابقات است. برای مثال، فردی که در مسابقه اتومبیلرانی یا رزمی شرکت کرده و در این زمینه با مؤسسه ورزشی، اعم از باشگاه و انجمن و واسطه‌های ورزشی پیمان می‌بندد، از خطرهای آن مطلع است و به طور ضمنی آن را می‌پذیرد. پس نمی‌تواند تضمین سلامت خود را بر عهده مربی یا باشگاه نهد. لذا در این قراردادها، شرط «تعهد ایمنی» مفروض است، ولی مفاد این قرارداد باید محدود به فراهم کردن وسایل ایمنی باشد. به عبارتی؛ مفاد تعهد ایمنی دلالت بر تهیه وسیله است نه حصول نتیجه مطلوب. پس، در دعوی جبران خسارت ورزشکار، باید تقصیر و اهمال او در پرهیز از خطر و تهیه وسایل ایمنی اثبات شود. از این رو، قانونگذار لازم است این گونه مؤسسه‌ها را در قبال منافعی که از این فعالیتها به دست می‌آورند، مکلف به

615 ریحانه حسنیپور و همکاران

بیمه ورزشکاران کند. بیمه کردن ورزشکار یکی از وسایل ایمنی است و از تعهدات قانونی مؤسسات محسوب می‌شود. در نتیجه، ماهیت مسئولیت در مسابقات نسبت به ورزشکاران عمدتاً مسئولیت قهری است که ناشی از تقصیر و سهل‌انگاری است. البته مسئولیت قراردادی نیز به صورت ضمنی متصور است که ناشی از نقض تعهدات رایج و متعارف است.

3. ماهیت مسئولیت در برابر تماشاگران و اشخاص ثالث

ضوابط و قواعدی که در خصوص مسئولیت مربیان در برابر نوآموزان گفته شد، نسبت به شخص ثالثی که از فعالیت نوآموزان آسیب می‌بیند نیز قابل اعمال است و بار مسئولیت را می‌توان بر مربی و مؤسسه ورزشی تحمیل کرد؛ زیرا نوآموز در شرایطی است که دستورهای مربی را اطاعت می‌کند و نقشی انفعالی دارد. لذا باید او را از مصادیقی دانست که قانونگذار حکم آن را در قالب کارگری بیان کرده است؛ زیرا کارگر نیز به دستور کارفرما به دیگران خسارت وارد می‌کند و سبب اقوی از مباشر و مسئول جبران خسارت است (ماده 332 ق.م. و ماده 12 ق.م.م.)، مگر اینکه ثابت کند احتیاطهای لازم را رعایت کرده یا بلاپای طبیعی غیر قابل پیش‌بینی آن را به بار آورده است. برای مثال، اگر نوآموز ورزش اتومبیلرانی در تمرینات آسیبی به دیگران وارد کند، باید مربی را مسئول دانست.

در نتیجه، ماهیت مسئولیت نسبت به تماشاگران و اشخاص ثالث، از نوع مسئولیت قهری است. جایگاه قاعده تحذیر در مسئولیت قهری و قراردادی مربیان و مؤسسات ورزشی نیز متفاوت است؛ زیرا این قاعده در مسئولیت قراردادی به عنوان یک تعهد ضمنی مطرح است؛ بدین نحو که به طور متعارف و ضمنی مربیان و مؤسسات، مسئول فراهم آوردن محیطی ایمن و عاری از خطرات احتمالی برای ورزشکارانند و اگر خطری آنان را تهدید می‌کند، مکلف به اطلاع‌رسانی‌اند. این اطلاع‌رسانی، تعهدی قراردادی است که نقض آن، مسئولیت قراردادی را بر مربیان بار می‌کند.

در خصوص مسئولیت قهری نیز این قاعده به عنوان یک عامل سالب مسئولیت مطرح است، که مانع تحقق ضمان قهری مربیان می‌شود. در نتیجه، قاعده تحذیر، هم رافع مسئولیت قراردادی از مربیان و مؤسسات ورزشی و هم رافع مسئولیت قهری آنهاست.

ه) کاربرد هشدار بر عملکرد مربیان و مدیریت آنان

1. جذب و عدم ترک شغل

هر شغلی برای شاغلان آن جذابیت و منفعتی دارد که افراد شاغل در آن به شغل خود ادامه می‌دهند؛ زیرا منفعت و ماهیت منفعت‌طلب انسان چنین اقتضا می‌کند. آدمها فرصتهایی برای رشد و یادگیری می‌خواهند؛

616 ♦ نقش کاربردی قاعده فقهی تحذیر بر مسئولیت مدنی ...

می‌خواهند در کارشان ترقی کنند و روی پروژه‌های چالش‌برانگیز و جالب توجه کار کنند؛ می‌خواهند به رسمیت شناخته شوند و برای تلاشهایشان قدردانی شوند؛ می‌خواهند عضوی از آنچه باشند که ارزشی برای جامعه فراهم می‌آورد. لذا فقدان منافع و فشار ناشی از احتمال ضرر، عامل اصلی ترک شغل و نارضایتی شغلی است (جلالی فراهانی، 1394: 33). کارکنان در صورت استمرار عوامل فشارآور، به دنبال جایگزینهای شغلی و ترک خدمت می‌روند. (لاین، 2001: 65؛ سانتیاگو، 2003: 21)

از این رو، رضایت شغلی را باید یکی از عوامل موفقیت شغلی مربیان برشمرد که باعث افزایش کارایی و احساس رضایت مربیان و نیز موجب ارتقای سطح کارآمدی مدیران ورزشی و مربیان خواهد بود. اهمیت رضایت شغلی از آنجا ناشی می‌شود که مربیان تقریباً نیمی از اوقات خود را در محیط کاری می‌گذرانند. از نظر سازمانی، میزان بالای رضایت شغلی نمایانگر جو سازمانی بسیار مطلوب است که منجر به جذب و بقای مربیان می‌شود. (رک: مقیمی، 1383: 87)

فعالتهای ورزشی معمولاً با صدمات جسمانی اجتناب‌ناپذیر همراه بوده و بنابر قوانین مصوب کشور ما ممکن است برخی از این صدمات به مربیان منتسب شود و آنان را ملزم به جبران زیانهای وارده کند. همین امر می‌تواند فعالیت حرفه‌ای مربیان ورزشی را توأم با استرس کند. همان‌طور که گفته شد، استرس شغلی عامل قابل توجهی در تحقق نارضایتی شغلی و در نتیجه، ترک شغل یا عدم جذب مربیان است.

بنابر این، از مطالبی که تا کنون گفته شد و از مفاد قاعده تحذیر می‌توان به این نتیجه رسید که قاعده تحذیر نقش قابل توجهی در کاهش این نوع استرسها خواهد داشت؛ چون بنابر قاعده تحذیر، مری بعد از دادن اخطار به شاگردان، هیچ مسئولیتی نخواهد داشت و همین امر باعث کاهش استرس مربیان شده و دیگر شاهد ترک شغل مربیان یا عدم جذب مربیان جدید نخواهیم بود.

2. ارتقای عملکرد مربیان

برندا پیس و جیمز ژانگ (برجسته‌ترین محققان رشته مدیریت تربیت بدنی که مرجع این رشته محسوب می‌شوند) معتقدند: محیط شغلی امن و آرام که به مربیان احسان رضایت و اطمینان خاطر دهد، مسلماً موجب ارتقای عملکرد آنها خواهد بود و به عکس، محیط شغلی‌ای که فاقد امنیت و آرامش است، سطح عملکرد آنها را پایین می‌آورد. یکی از این موارد، استرس شغلی است. (پیس و ژانگ، 1394: 69)

استرس شغلی از طریق ایجاد ناهنجاری‌های عاطفی، شناختی و رفتاری، عملکرد مربیان را به سمت جبران تعادل از دست رفته متمایل می‌کند. در فرایند این جبران، قبل از وقوع واکنشهای رفتاری، تضعیف

617 ریحانه حسنیپور و همکاران

حالات عاطفی و خلقی مثبت به وقوع می‌پیوندد؛ سپس رفتارهای تلافی‌جویانه و مخرب بروز می‌کند (گل‌پرور، وانقی و جوادیان، 1390: 11). استرس شغلی ابتدا با تضعیف رضایت شغلی، نیروی مقابله و توانایی کاری مربیان را تضعیف می‌کند و بدین وسیله زمینه را برای کاهش عملکرد وظیفه فراهم می‌سازد (سانتیگو، 2003: 22). رضایت شغلی مربیان، عملکرد آنان را نسبت به تعهدات خود بالا برده و این امر، کارآمدی مربیان را بهبود می‌بخشد؛ در حالی که بی‌اعتنایی به این روابط باعث تضعیف عملکرد مربیان شده و سازمان ورزشی را از اهداف خود دور می‌کند (آزادی و عیدی، 1394: 22). همچنین رابطه مستقیم و نزدیکی بین بازدهی و رضایت وجود دارد؛ به همان نسبت که رضایت شغلی مربیان و روحیه آنان افزایش می‌یابد، به همان نسبت نیز کارآمدی و عملکرد مثبت آنان افزایش می‌یابد. (اقتداری، 1374: 4)

بنابر این، مربی‌ای که اطلاع‌رسانی کرده و هشدارهای لازم را به شاگردان خود داده است، با خیالی آسوده و بدون ترس و استرس نسبت به مسئولیتهای مدنی و کیفی، به فعالیتهای حرفه‌ای خود می‌پردازد و تمام تمرکز خود را صرف تعلیم حرکات و فنون ورزشی کرده، به هیچ وجه احساس محدودیت و ناامنی نمی‌کند. در نتیجه، آشنایی مربیان با قاعده تحذیر می‌تواند نقش قابل توجهی در ارتقای سطح عملکرد آنها داشته است.

3. کاهش فرسودگی شغلی

فرسودگی شغلی؛ خستگی فیزیکی، هیجانی و روانی به دنبال قرار گرفتن طولانی مدت در موقعیت کار سخت است. این نشانگان حالتی است که در آن قدرت و توانایی افراد کم و رغبت و تمایل آنان برای انجام کار و فعالیت کاهش پیدا می‌کند. فرسودگی شغلی پیامدی از فشار شغلی دائم و مکرر است. (دوستی، 1395: 63)

فرسودگی شغلی با فشار روحی و ضعف عملکرد همراه است و علت آن در دو جنبه فردی و سازمانی مطرح می‌شود. فرسودگی شغلی، یک تجربه فردی است که اختصاص به مشاغل دارد. عوامل موقعیتی و ویژگی‌های فردی کاملاً بر فرسودگی شغلی تأثیر گذارند که مهم‌ترین آنها استرس شغلی است. (فرنج و کاپلان، 1973: 32)

در نتیجه، باید چاره‌ای اندیشید و عوامل استرس‌زای منجر به فرسودگی شغلی را رفع کرد. یکی از عوامل منجر به فرسودگی شغلی مربیان ورزشی، استرس ناشی از مسئولیتهای مدنی و کیفی است. با استناد به قاعده تحذیر می‌توان گفت که پس از ارائه هشدارهای لازم، دیگر مسئولیت بر عهده مربیان نیست؛ لذا قاعده تحذیر به سادگی موجب کاهش استرس شغلی مربیان می‌شود.

4. توانمندسازی مربیان

توانمندسازی؛ اقداماتی است برای قدرت بخشیدن به افراد. در این اقدامات، به کارکنان کمک می‌کنیم تا حس اعتماد به نفس خویش را افزایش دهند. به عبارت دیگر؛ توانمندسازی به بسیج اراده‌های درونی افراد می‌انجامد. (وتن و کمرون، 1391: 4)

بنابر دیدگاهی دیگر، تواناسازی، فرایند تشویق و ترغیب کارکنان است تا نقش مؤثرتری در کار خود ایفا کنند و تا آنجا پیش روند که مسئولیت بهبود فعالیتهای خویش را بر عهده بگیرند و در نهایت، به حدی از توان برسند که بدون مراجعه به مسئول بالاتر بتوانند تصمیمات کلیدی اتخاذ کنند. همه ابعاد توانمندسازی با رویکرد روان‌شناختی با امنیت شغلی ارتباط معنادار دارد. (اسیت، 1391: 10)

توانمندسازی می‌تواند نقش قابل توجهی در بهبود عملکرد مربیان داشته باشد. یکی از عناصر مخّل توانمندسازی، استرس شغلی است؛ زیرا باعث می‌شود مربی، اهداف سازمان را مغایر با اهداف و منافع خود ببیند؛ لذا فعالیت خود را در راستای اهداف سازمان کاهش می‌دهد. با توانمندسازی، استرس شغلی کاهش می‌یابد. (دیوس و نیواستورم، 1390: 55)

رشد توانمندسازی مربیان ورزشی و ایجاد رضایت و امنیت شغلی آنان می‌تواند نقش قابل توجهی در ارتقای فعالیتهای آموزشی آنها داشته باشد و رقابت‌پذیری آنان را افزایش دهد. (آذربانی و کلاتری، 1395: 37)

با استناد به مطالب پیش گفته، باید گفت توانمندسازی مربیان ورزشی نباید محدود به فنون و حرکات ورزشی باشد، بلکه نسبت به علوم قضایی و حقوقی نیز باید آشنایی و توانایی نسبی داشته باشند. یکی از قواعد حقوقی که نقش قابل توجهی در توانمندسازی حقوقی مربیان دارد، قاعده تحذیر است. مربی به واسطه آشنایی با مفاد و کاربرد این قاعده می‌تواند به محدودیتهای قانونی که نسبت به اعمال مدیریت کارآمد وجود دارد، فائق آید.

(و) بررسی شرایط اعمال قاعده هشدار در رفع مسئولیت

همان‌طور که از مفاد قاعده به دست آمد، هشدار از عوامل سالب مسئولیت است و این قاعده مخاطبی را که بی‌اعتنا به اخطار بوده و آسیب دیده، مشمول قصور و خطرپذیری خود می‌داند و به موجب اخطار مؤثر، اخطاردهنده را مبرای از مسئولیت می‌داند (محقق داماد، 1394، ج 2: 55). از این رو، این قاعده می‌تواند راهکار مناسبی برای اطمینان خاطر مربیان از فعالیتهای خود باشد. البته لازم است مربیان با شرایط اعمال صحیح این قاعده آشنا شوند.

619 ♦ ریحانه حسنیپور و همکاران

برای آنکه بتوان به قاعدهٔ تحذیر استناد کرد و حکم به عدم مسئولیت هشداردهنده داد، لازم است شرایط ذیل فراهم باشد:

1. هشدار مؤثر بوده و با خطر متناسب باشد

هشدار با هدف پیشگیری از ورود زیانهای جسمی و مالی است. در نتیجه خطاری که متناسب با زیان و آسیبها نباشد و قدرت بازدارندگی نداشته باشد، مؤثر نخواهد بود؛ پس بود و نبود آن فرقی ندارد.

ورزشکاران نیز حین تمرین باید بتوانند پیام و محتوای اخطار را به خوبی درک کرده، جنبهٔ خطر را فهمیده باشند؛ لذا صرف شنیدن یا دیدن علائم کفایت نمی‌کند، بلکه درک معنا و مفهوم آنها نیز شرط لازم برای رفع مسئولیت هشداردهنده است (فلاح، 1385: 48). برای مثال، انجام فلان حرکت بدن‌سازی، فلان آسیب را وارد می‌کند یا روی یکی از وسایل برقی باشگاه نوشته شده «هشدار! استفاده از این وسیله ممکن است خطر آفرین باشد»؛ اما خطری که ممکن است از آن ناشی شود، فقط احتمال برق‌گرفتگی است. لذا باید چنین هشدار داده شود: «هشدار! در استفاده از این وسیله ممکن است با خطر برق‌گرفتگی مواجه شوید».

بنابر این، هشدار که متناسب با خطر احتمالی نباشد، نمی‌تواند مؤثر واقع شود. لذا چنین هشدار کانی لم یکن خواهد بود و رافع مسئولیت نیست. مربیان و مدیران مؤسسات ورزشی باید به این نکتهٔ مهم توجه داشته باشند که هشدارهای آنها باید مؤثر و متناسب با خطر باشد.

2. هشدار باید معقول و متعارف باشد

اخطار و اطلاع‌رسانی دربارهٔ خطر باید به نحوی باشد که در صورت لزوم، هشداردهنده بتواند ثابت کند که در حد متعارف (در حلی که مخاطب را متوجه خطر کرده) هشدار لازم را داده و برای دادگاه هم قابل قبول باشد که اعلام خطر انجام گرفته است.

در واقع؛ مربی یا مدیری که هشدار مؤثری نداده، مقصر محسوب می‌شود و بنا به قاعدهٔ تحذیر، ضامن خسارات وارده است. بنابر این، تا زمانی که مربی نتواند شاگردان را متوجه خطر کند، ضامن و مسئولیتش باقی است. برای مثال، هشدار کتبی به کودکانی که سواد خواندن و نوشتن ندارند و معنای اصطلاحات تخصصی را نمی‌دانند، معقول و متعارف نیست و چنین هشدار رافع مسئولیت محسوب نمی‌شود.

3. وصول هشدار به مخاطبان (درک خطر از جانب مخاطبان)

در صورتی که هشداردهنده به طور کامل به تکالیف خود و اطلاع‌رسانی‌اش عمل کرده باشد، اما این اخطار به مخاطب یا مخاطبان نرسیده یا توجه آنها را جلب نکرده باشد، غرض اصلی حاصل نشده و مانند آن است که اصلاً هشدار در صورت نگرفته است (محقق حلی، 1429، ج 2: 54)؛ یعنی اگر نوازمان یا ورزشکاران، نابینا یا ناشنوا باشد یا صداهای دیگر به نحوی در محیط منعکس شده باشد که بر صدای مربی غالب بوده و مانع

620 ♦ نقش کاربردی قاعده فقهی تحذیر بر مسئولیت مدنی ...

وصول اخطار به مخاطبان باشد، یا صدای مربی نارسا و مبهم باشد به گونه‌ای که نتواند هشدار خود را صریح و آشکار به دیگران برساند و به همین دلیل هشدار وی به ورزشکار نرسیده باشد، یا سایر عللی که می‌تواند مانع رسیدن هشدار به مخاطب باشد، مسئولیت را زایل نمی‌کند و جبران خسارت به عهده مربی ثابت است. (محقق داماد، 1371: 10)

برخی از فقها نیز به صراحت، شرط استماع هشدار را متذکر شده‌اند؛ هر چند روایت مربوط به قاعده تحذیر نسبت به قید مزبور مسکوت است و حکمی ندارد (قیاسی، 1394: 11). برای اتقان، به نظر بعضی از ایشان اشاره می‌کنیم:

- اگر ثابت شود که تیرانداز هشدار داده و عابر شنیده است، ضامن نیست. (محقق حلّی، 1429، ج 2: 55)
- اینکه عابر هشدار را نشنود، دیه بر عهده عاقله تیرانداز است. (شهید ثانی، 1433، ج 11: 125)
- اخطاردهنده لازم است که مخاطب را از وجود خطرهای احتمالی، آگاه سازد تا آنان از نزدیک شدن به خطر دوری کنند. (موسوی بجنوردی، 1394، ج 2: 126)

برای نمونه، محدوده‌ای که قرار است در آن تمرین یا مسابقه انجام شود، می‌باید مشخص و توسط مقامات مسئول به اطلاع اهالی منطقه یا تماشاگران و ... رسانده شود. از این مطالب چنین استنباط می‌شود که هدف اصلی از هشدار آن است که مخاطب یا مخاطبان، وضعیت خطرناک و موقعیت حادثه‌ساز را دریافته، در پی دوری و گریز از آن باشند تا دچار آسیب یا خسارات مالی نشوند. فرض کنید مربی قبل از شروع شدن تمرین ژیمناستیک به همه شاگردان هشدار می‌دهد که یکی از پایه‌های ترامپولین شکسته است. یکی از شاگردان بنا به دلایلی، مانند نارسایی صدای مربی، متوجه هشدار نمی‌شود؛ یا یکی از شاگردان چند دقیقه بعد به تیم ملحق می‌شود و اطلاعی از نقص ترامپولین ندارد. همین شاگرد اقدام به پشتک زدن روی ترامپولین می‌کند و مصدوم می‌شود. در این حالت، مربی نمی‌تواند دلیلی برای اثبات تقصیر دانش‌آموز در استفاده نادرست از وسایل ورزشی ارائه دهد و ثابت کند دانش‌آموز از ترامپولین استفاده خلاف جهت و غیر قابل پیش‌بینی کرده است. از طرفی نیز اصل بر تقصیر مربی است.

از قوانینی مانند آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی (مصوب 1384/3/18)، آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی مناطق آزاد تجاری - صنعتی (مصوب 1373/7/9)، آیین‌نامه ایمنی معادن و ...، هشدار شنیداری در قانون به کارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری (مصوب 1373/10/18) و آیین‌نامه اجرایی تبصره بند 5 ماده 3 این قانون (مصوب 1381/4/30) نیز همین امر استنباط می‌شود که هشدار باید مؤثر و متناسب باشد. همچنین در تمرینات رالی (اتومبیلرانی) یا تیراندازی و ... لازم است علائم هشداردهنده واضح و رسا باشند.

4. قانونی و مشروع بودن فعل هشداردهنده

از دیگر شرایط اعمال قاعده هشدار آن است که نفس عمل مورد اخطار باید قانونی و مشروع باشد. هشدار برای اعمال غیر قانونی و نامشروع، به هیچ وجه از اخطاردهنده سلب مسئولیت نمی‌کند؛ زیرا نفس عمل ایشان فاقد مشروعیت است و هشدار برای انجام اعمال خطرناک و غیر قانونی موجب معافیت هشداردهنده نمی‌شود. به عبارت دیگر؛ عمل نامشروع مطلقاً ضمان آور است (صباح منهدی، 1385: 54). در واقع؛ عمل نامشروع فی‌نفسه به عنوان عامل مستقل ضمان شناخته شده، به تنهایی ضمان آور است و صرف نظر از بی‌احتیاطی و عدم مهارت، از موجبات ضمان محسوب می‌شود. (مکارم شیرازی، 1394: 54)

برای مثال، مری به شاگرد خود داروی دوپینگ بدهد و هشدار هم بدهد که مصرف این دارو فلان عوارض را دارد؛ چنین هشدار و تحذیری نمی‌تواند رافع مسئولیت مری باشد؛ چون نفس عمل نامشروع و غیر قانونی است، تحذیر در آن بی‌تأثیر است.

5. تقدّم زمانی تحذیر

زمان صدور اخطار باید قبل از وقوع حادثه باشد؛ یعنی قبل از ایجاد موقعیت مخاطره‌آمیز، هشدار لازم را بدهد و دیگران را از وجود خطرات احتمالی آگاه کند؛ به نحوی که مخاطب پس از شنیدن یا دیدن هشدار، امکان دور شدن از صحنه خطر و اجتناب از آن را داشته باشد (شهید ثانی، 1433، ج 11: 126). لذا حقوقدانان معتقدند اگر مخاطب امکان گریز از خطر را داشت اما فرار نکرد، هشداردهنده مسئولیتی نخواهد داشت. بنابر این، هشدار باید به نحوی باشد که طرف خطاب بتواند خود را از خطر دور کند؛ در غیر این صورت، چنین هشدار رافع مسئولیت مدنی نخواهد بود. (مکارم شیرازی، 1394: 55)

اگر هشدار بعد از حدوث خطر یا در زمانی که مخاطب فرصت کافی را برای دوری از خطر ندارد، صادر شود، فایده‌ای ندارد و این هشدار کان لم یکن خواهد بود. بنابر این، مربیان و مدیران مؤسسات ورزشی باید به محض مطلع شدن از وجود خطرات احتمالی، اطلاع‌رسانی کنند.

6. روش مناسب تحذیر

قانون خاصی درباره نحوه هشدار دادن و روشهای اخطار وجود ندارد؛ مگر متن سابق لایحه حمایت از مصرف‌کنندگان (مصوب 1372/4/7) که به برخی از روشهای اطلاع‌رسانی، مانند دفتر راهنما، برجسب الصاقی، کاتالوگ، فهرست بها و... اشاره کرده است. قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی (مصوب 1367/11/23) در این خصوص فقط به هشدار از طریق قرار دادن برجسب اشاره کرده است؛ طبق ماده 34 این قانون، تولیدکنندگان مکلف‌اند برجسب هشدارها را روی محصولات خود نصب کنند. قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی هم در این خصوص می‌گوید اخطارات لازم باید روی

622 ♦ نقش کاربردی قاعده فقهی تحذیر بر مسئولیت مدنی ...

کالا درج شود. طبق ماده 11 این قانون، مؤسسات داخلی باید مشخصات لازم را درباره هر نوع فراورده، به خط فارسی خوانا روی بسته‌بندی یا ظرف جنس قید کنند.

ماده 35 قانون تجارت الکترونیک (1382/10/24) پس از ذکر هشدار لازمی که باید به مصرف‌کننده ارائه شود، بیان می‌دارد که اطلاعات اعلامی به مخاطب باید در واسطی با دوام، روشن و صریح بوده و در زمان مناسب و با وسایل مناسب ارتباطی در مدت معین و بر اساس لزوم حسن نیت در معاملات و از جمله ضرورت رعایت افراد ناتوان و کودکان ارائه شود. بنابر این، چنانچه در مقررات خاصی، چگونگی اطلاع‌رسانی مشخص شده باشد، باید مطابق آن عمل شود، وگرنه این اطلاع‌رسانی لاجرم باید متعارف باشد. در نتیجه، از سکوت قانونگذار نسبت به روش هشدار می‌توان پی برد که قانونگذار نحوه هشدار دادن را به عرف واگذار کرده و هر وسیله‌ای که هشدار دادن متعارف و مؤثر باشد، مورد قبول قانونگذار است. بنابر این، مربیان و مدیران مؤسسات ورزشی می‌توانند شفاهی یا کتبی یا به هر طریق متعارف دیگر، ورزشکاران را از خطرات احتمالی مطلع کنند و از این طریق، از خود سلب ضمان کرده، استرس و نگرانی‌های شغلی خود را کاهش دهند.

ز) نتیجه‌گیری

دو نوع مسئولیت برای مربیان متصور است: یک مسئولیت مطلق که در آن فرض بر مسئولیت ضمنی مربی است. به عبارتی؛ مربی نسبت به اطفال، بدون قید و شرط و به طور مطلق مسئول است؛ زیرا اطفال فاقد قدرت تمیز و تشخیص‌اند و مربی است که بر آنها سلطه دارد. اما در مسئولیت دوم که به سبب آسیب‌های وارده بر نوآموزان و ورزشکاران عاقل و بالغ محقق می‌شود، مسئولیت مربی منوط به اثبات تقصیر وی درباره بالغ و رشید است. لذا اگر امارات و قرائن به ضرر مربی باشد، ممکن است مربی مسئول شناخته شده، ملزم به جبران خسارات شود.

همین احتمال ضمان‌آوری فعالیت‌های شغلی برای مربیان، ممکن است استرس شغلی این قشر زحمتکش جامعه را افزایش دهد و منجر به آسیب‌های روحی و روانی ناشی از شغل شده، به فرسودگی شغلی آنان دامن زند و به تبع، بر میزان عملکردشان تأثیر سوء بگذارد.

یکی از راهکارهای قانونی که می‌تواند موجب رفع امارات و قرائن ضمان‌آوری فعالیت مربیان شود، رعایت قاعده هشدار یا قاعده تحذیر است؛ که به تبع، کاهش دعوای مربوطه و کاهش پرونده‌ها را در محاکم به دنبال خواهد داشت.

623 ریحانه حسنیپور و همکاران

بنابر مفاد این قاعده و اظهارهای لازم می‌تواند موجب رفع مسئولیت مربیان شود. لذا آشنایی مربیان با این قاعده و شرایط اعمال آن می‌تواند از استرس و فشار ناشی از شغل ضمان‌آور مربیان بکاهد و میزان عملکرد آنان را افزایش دهد.

البته صرف هشدار دادن موجب رفع مسئولیت نیست، بلکه مربیان باید به شرایط آن نیز توجه داشته باشند. لذا آشنایی با این شرایط برای مربیان لازم است که اهم آنها عبارتند از: مشروعیت هشدار، مؤثر بودن آن، وصول هشدار به مخاطبان و ...

خلاصه مطلب اینکه، آشنایی مربیان با قاعده هشدار (تجدیر) و شرایط اعمال آن، نقش قابل توجهی در بالا بردن سطح عملکرد و رضایت شغلی مربیان خواهد داشت.

پیشنهاد

همان‌طور که ذکر شد، استرس ناشی از احتمال تحمیل مسئولیت بر مربیان، موجب کاهش سطح عملکرد آنان می‌شود؛ لذا پیشنهاد می‌شود مربیان برای آشنایی با قوانین، دوره‌های آموزش حقوقی ببینند و بدین وسیله از استرس آنها کاسته شود. ضمن اینکه به واسطه تعلیمات حقوقی، کمتر شاهد تحمیل مسئولیتهای مدنی و کیفری بر مربیان خواهیم بود. حق طبیعی هر شهروندی است که با حقوق و تکالیف خود آشنا باشد.



منابع

- آذربانی، احمد و رضا کلاتتری (1395). اصول و مبانی تربیت بدنی و ورزش. تهران: آبیژ.
- آقبابا، زهرا و پوراندرخت عزیزی (1395). «قاعده فقهی تحذیر و جایگاه آن در حقوق». مطالعات حقوق، ش 7: 138-127.
- اسمیت، جین (1391). توانمندسازی کارکنان. ترجمه سعید باقریان. تهران: خرم.
- اقتداری، علی محمد (1374). سازمان و مدیریت. تهران: دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی.
- امامی، حسن (1395). قانون مدنی. تهران: اسلامی.
- انوری، حسن (1382). فرهنگ بزرگ سخن. تهران: چاپخانه مهارت.
- پیتس، برندا و جیمز ژانگ (1394). مدیریت ورزشی جهانی. ترجمه مرضی دوستی و همکاران. تهران: بامداد.
- جلالی فراهانی، مجید (1394). مدیریت اماکن ورزشی. تهران: دانشگاه تهران.
- حر عاملی، محمد بن الحسن (1423 ق.). وسائل الشیعه. تهران: المکتبه الاسلامیه.
- حلی، ابن ادریس (1430 ق.). الفتاوی التحریر الحاوی السوائر. قم: نشر اسلامی.
- خویی، سید ابوالقاسم (1425 ق.). مبانی تکمله المنهاج. قم: المعارف الاسلامیه.
- دوستی، مرضی (1395). اصول و مبانی مدیریت در سازمانهای ورزشی. تهران: بامداد.
- دیوس، کت و جان نیواستورم (1390). رفتار انسانی در کار. ترجمه محمدعلی طوسی. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی (1433 ق.). شرح لمعه دمشقیه. قم: المعارف الاسلامیه.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی (1413 ق.). مسالك الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام. قم: المعارف الاسلامیه.
- شهیدی، مهدی (1392). حقوق مدنی. تهران: مجد.
- صباح مشهدی، حمید (1385). «بررسی فقهی و حقوقی قاعده تحذیر (هشدار)». دادرسی، ش 60: 51-69.
- عسگری، ابراهیم و سید مهدی صالحی (1396). «بررسی مسئولیت ناشی از اخفای مضرات دارو و نقش قاعده تحذیر». حقوق پزشکی، ش 41: 33-9.
- علیشاهی قلعه جوقی، ابوالفضل و محمد دانش نهاد (1397). «جایگاه قاعده تحذیر در مسئولیت مدنی اشخاص و دولت». آموزه های فقه مدنی، ش 17: 212-189.
- فلاح، مهدی (1385). «رویکرد فقهی و حقوقی قاعده تحذیر». معرفت، ش 106: 59-46.
- قیاسی، جلال الدین (1394). تسبیب در قوانین کیفری. تهران: جنگل، چ سوم.
- کاتوزیان، ناصر (1386). حقوق مدنی: الزامهای خارج از قرارداد (ضمن قهری). مسئولیت مدنی. تهران: دانشگاه تهران.
- کاتوزیان، ناصر (1378). «خطای ورزشی و مسئولیت ورزشی». مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، ش 43: 58-37.

- گل پرور، محسن؛ زهرا واثقی و زهرا جوادیان (1390). «الگوهای ساختاری رابطه استرس شغلی و فرسودگی جانی با رفتارهای مثبت و منفی: شواهدی نوین و گسترده از رویکرد ایرانی استرس - نامتعادلی - جبران». یافته‌های نو در روان‌شناسی، دوره ششم، ش 19: 18-7.
- محقق حکلی، جعفر بن حسن (1429 ق). شرایع الاسلام فی المسائل الحلال و الحرام. تهران: استقلال.
- محقق داماد، سید مصطفی (1371). «قاعده تحذیر: نقش هشدار در رفع مسئولیت». مجله حقوقی دادگستری، ش 5: 27-9.
- محقق داماد، سید مصطفی (1394). قواعد فقه. قم: علوم اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (1394). استفتائات جدید. قم: مدرسه امام علی (ع).
- مفید، محمد بن محمد (1433 ق). المقننه. قم: اسلامی.
- مقیمی، سید محمد (1383). سازمان و مدیریت رویکرد پژوهشی. تهران: ترمه.
- موسوی بجنوردی، سید محمد (1394). قواعد فقهیه. تهران: مجله، ج دوم.
- نجفی، محمد حسن بن باقر (1428 ق). جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام. تهران: آل البيت لاحیاء التراث.
- وتن، دیوید، ای. و کیم اس. کمرون (1391). تواناسازی و تفویض اختیار. ترجمه بدرالدین اورعی یزدانی. تهران: مؤسسه تحقیقات و آموزش مدیریت.
- French, J.R.D. & R.D. Caplan (1973). **Organizational Stress in Individual Strain**. New York, AMA .Com. P 30-65.
- Layne, C.M. (2001). **The Relationship of Occupational Stress, Psychological Strain, and Coping Resources to the Turnover Intentions of Rehabilitation Counselors**. Doctoral Dissertation in Counselor Education. Virginia Polytechnic Institute and State University.
- Santiago, D. Cynicism (2003). "**Job Dissatisfaction: Negative Effects of Internal Stress on Police Performance**". *School of Police Staff and Command*, 19: 1-24.
- Azarhani, Ahmad & Reza Kalantari (2016). **Principles and Principles of Physical Education and Sport**. Tehran: Ayiej Publishing.
- Anvari, Hassan (2003). **The Great Speech Culture**. Tehran: Skills Printing House.
- Asgari, Ebrahim & Seyyed Mahdi Salehi (2017). "**Assessing Liability for Drug Harm and the Role of the Rule of Tahzir**". *Medical Law Journal*, 41: 9-33.
- Davos, Jacket & Jhon Newstorm (2011). **Human Behavior at Work**. Translated by Mohammad Ali Tusi. Tehran: Center for Public Administration Training.
- Dosti, Morteza (2016). **The Basics of Management in Sport Organizations**. Tehran: Bamdad Publications.
- Emami, Hassan (2016). **Civil Law**. Tehran: Islamic Publications.
- Eqtedary, Ali Mohammad (1995). **Organization and Management**. Faculty of Administrative Sciences and Business Management Publications.
- Fallah, Mehdi (2006). "**The Jurisprudential and Legal Approach of the Tahzir Rule**". *Ma'arafa Quarterly*, 106: 46-59.

- Helley, Ibn Idris (2011). **Al-Fawtawi al-Tahrir al-Hawi al-Sarraer**. Qom: Institute of Islamic Publication.
- Jalali Farahani, Majid (2015). **Sports Facilities Management**. University of Tehran Publications.
- Katouzian, Nasser (2007). **Civil Rights: Out of Contract Requirements (Forced Guarantee): Civil Liability**. Tehran University Press & Publishing Institute.
- Katouzian, Nasser (1999). "Sport Error and Sport Responsibility". *Journal of Faculty of Law and Political Science (Tehran University)*, 43: 37-58.
- Khoi, Sayyid Abulqasim (1425 AH). **Foundations of al-Menahaj's Supplement**. Qom: Institute of Islamic Encyclopedia.
- Makarem Shirazi, Nasser (2015). **New Estefatahat**. Qom: Imam Ali School Publications.
- Mofid, Mohammad ibn Mohammad (1433 AH). **Al-Maqrnama**. Qom: Islamic Publications.
- Moghimi, Seyed Mohammad (2004). **Organization and Management of Research Approach**. Cashmere Publishing.
- Mohaghegh Damad, S. Mostafa (2015). **Rules of Jurisprudence**. Qom: Islamic Sciences Publications.
- Mohaghegh Damad, S. Mostafa (1992). "The Rule of Tazir: The Role of Alert in Disclaimer". *Legal Journal of Justice*, No. 5: 9-27.
- Mohaghegh Halley, Ja'far ibn Hassan (1429 AH). **The Sharia of al-Islam fi al-Masa'il al-Halal and al-Haram**. Tehran: Esteghlal Publication.
- Najafi, Mohammad Hassan ibn Baqir (1423 AH). **Jawadar-ul-Kallam fi Description of the Sharia of al-Islam**. Tehran: Al al-Beyt.
- Pitts, Brenda & James Zhang (2015). **Global Sport Management**. Translated by Morteza Doosti & Others. Tehran: Bamdad Publications.
- Qiasi, Jalaluddin (2015). **Adoption of the Third Penal Code**. Tehran: Jungle Publications.
- Sabah Mashhadi, Hamid (2006). "Jurisprudence and Jurisprudence Study of the Rule of Warning". *The Quarterly Review*, No. 60: 51-69.
- Shahid Thani, Zayn al-Din bin Ali Amoli (1413 AH). **Maskalat al-Fallam al-Anikih Shariah al-Islam**. Qom: Al-Islam Encyclopedia.
- Shahid Thani, Zayn al-Din bin Ali Amoli (1433 AH). **Description of Damascus Lama**. Qom: Al-Islam Encyclopedia.
- Shahidi, Mehdi (2013). **Civil Rights**. Tehran: Majd Publications.
- Smith, Jane (2012). **Empowering Employees**. Translated by Saeed Bagherian. Tehran: Khorram Publications.
- Watten, David E. & Kim S. Cameron (2012). **Empowerment and Delegation**. Translated by Badr al-Din Orai Yazdani. Tehran: Institute for Management Research and Training.

